ودوران حمل کنیم همه افلاک شمر کنید و اگر کمال سرعت سیر اراده
کنیم بفلک الافلاک که در قریب شبانروزی یکدور تمام کند حاجت
وَشَعشَعَ ضِیاءَ الشَّمسِ نُورُنا تُحِجّه شعشع شراب بآب
آمیختن باشد و بعضی افروختن و اشعله اند و ضیا روشنی و شمس آفتاب
و نور نیر و روشن و تاج را افروخته شدن آتش و ما میان ضیا
و نور فرق کرده اند که ضیا آن است که روشنی لذاته باشد و نور
آنکه بواسطه باشد چنانچه کریمه جعل الشمس ضیاء از آن معنی افصاح مینماید
چه روشنی آفتاب لذاته است و روشنی قمر مقتبس از آفتاب است
اما اینجا از هر دو روشنی مطلق مراد است یعنی برافروخت روشنی آفتاب را
که عبارت از ظهور او باشد وقت صبح روشنی افروخته شدن آن
آنگاه که آن افروختن عبارت از طلوع بلکه از وصول آفتاب
براوج اماره و نصف النهار است یا مَن دَلَّ علی ذاتِه بذاتِه
دلالت راه نمودن و ذات هستی هر چیز و بمعنی جهة و طرف نیز می آید
چنانکه حق سبحانه و تعالی در حکایت اصحاب کهف میفرماید و نقلبهم

ذات الیمین

ذاتَ الیمینِ و ذاتَ الشِّمالِ یعنی میگردانیم اصحاب کهف را در وقت
خفتن ایشان در غار بطرف راست و طرف چپ و بمعنی حال نیز آمده
چنانچه در بعضی ادعیه واقع است اللّهم اصلِح ذاتَ البَین
یعنی اصلاح کن حالی را که بآن جمع میگردند مسلمانان و صاحب مونث
ذو بمعنی صاحب است چنانچه در آیه کریمه انّه علیمٌ بذاتِ الصُّدور
اما مقطوع شده است از لزوم اضافت و وصفیت و تا را بمنزله
اصل کلمه داشته اند یعنی ای آنکسی که راه نموده بر ذات خود متحیران وادی
حیرت را بر اسمای ذات خود و درین اشاره است بآنکه صفات الله
عین ذات اند چنانکه از عبارت شریفه در نهج البلاغه نیز مفهوم
میشود که کمال توحید نفی الصفات عنه و در بعضی الروایات
کمال الاخلاص و بالجمله چنانکه کنه ذات حق معلوم نیست کنه صفات
او هم معلوم نیست لکن چون اشعه صفات بر ماهیة انسان تابید
ادراک آن بوجهی معتد به میتوان و وجوب وجود که انسان را نیست
در فهم آن قاصرست و صفات حق عین ذاتست باتفاق صوفیه

Copyright © King Saud University